

ستاره کمی در خان

ستاره آر درخت

ز دور زخمی بود در شافه آر بلند

در رفت قلعه می راز آید در بیام میب

که آسان و رفتن را به هم دید بگویند

در خون کله کتک درخت، بگذر

دو ساید می عاشق

سکوت پر دور آنها - تلاطم دریا

سکوت پر دور آنها - هم آدرورین

که سکوت ز بر لفته آید کویا کور

به زرشاق در فغان، لبان گشته میامرد

به کفش کدوک زن کوبه مهارتت آرام

و دور می شود آن سایه در کرم باد

ستاره می لوز دیز

و مرغ حق ز ره دور می رتد فریاد

۶ ۸ ۷